

# املاء فارسی در مدارس و راه رفع مشکلات آن<sup>۱</sup>

بقلم ضیاءالدین سجادی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی

نخست بر خود فرض می‌دانم بعنوان یک معلم زبان و ادبیات فارسی، از توجهی که وزارت آموزش و پرورش به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دبیرستانها معطوف داشته و به تشکیل چنین مجلس و مجمع عالی و بزرگ اقدام نموده است، سپاسگزاری کنم و پس از ادای این فریضه اجازه می‌خواهم چند نکته را بعنوان مقدمه مقاله درباره «مشکلات املاء فارسی در مدارس و راه رفع آنها» بعرض بانوان و آقایان برسانم، و با اینکه بسیاری از این نکات بر همه حاضران که از اهل فن دانش و ادب هستند بدیهی است معذکک برای ورود در اصل موضوع ذکر آن نکات را ضروری می‌دانم.

آنچه که ساهاست در مدارس ما «املاء» نام گرفته و در برنامه‌ها گنجانده شده است. و سابقاً معادل فرانسوی آن «دیکته» را نیز به کار می‌بردند، در اصل لغت عربی و مصدر باب افعال است که معانی چند در لغت عرب دارد مانند: پر کردن، مهلت دادن، زکام رسانیدن و از جمله معانی مصطلح و مورد بحث ما نوشتن مطلبی است از تلقین دیگری و نوشتن مطلبی که شخصی تقریر کند، هم چنین رسم الخط و طریق نوشتن لغات، املاء گفته می‌شود، و نزدیک به همین معانی مجلسی از مجالس افاده علمی که در آن استاد مطالبی را که پیش می‌آید بر شاگردان القاء کند و صحیفه املاء، صفحه‌ای است که مطلبی را که کسی تقریر می‌کند در آن نویسند، سعدی گوید:

۱ - خطابه‌ای است که در روز ۲۹ مرداد ماه ۱۳۴۷ در کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی در شیراز ایراد شده است.

«چو بر صحیفهٔ املاء روان شود قلمش زبان طعن نهد بر فصاحت سخبان»  
 و هرگاه املاء و انشاء باهم آورده شود در مثل و محاوره خط و ربط گفته می‌شود<sup>۲</sup>. و اگر چه  
 از مدتها پیش در مدارس ما برنامهٔ املاء گذاشته شده و منظور از املاء، نوشتن متنها و لغات  
 فارسی بوده که معلم تقریر کرده و شاگردان نوشته‌اند؛ اما قبل از آن از املاء معانی و مفاهیم  
 قبلی متبادر به ذهن می‌شد و جمع املاء را «امالی» می‌گفتند که معروفترین آنها امالی شیخ  
 صدوق است که ۹۷ مجلس دارد و امالی شیخ طوسی که ۲۷ مجلس است و آن را در سال  
 ۴۵۰-۴۵۸ ه. ق بر فرزند خود املاء نموده است<sup>۳</sup>.

آنگاه که املاء فارسی در برنامهٔ مدارس چه دبستان و چه دبیرستان گذاشته شد باید  
 گفت که بسیار متوجه اهمیت این درس بودند و گویی همهٔ هدفهای املاء را که از آن سخن  
 خواهیم گفت در نظر داشتند اما متأسفانه در این کار به روش صحیح و مفید و سودمند به حال  
 دانش آموز آشنا نبودند و با همهٔ ایمان و علاقه‌ای که معلمان به کار خود داشتند کمتر به نتیجهٔ  
 مطلوب می‌رسیدند زیرا املاء را از روی مشکل‌ترین متن‌ها انتخاب می‌کردند که نثر فصیح  
 و شیوای فارسی نداشت و آن تاریخ معجم تألیف فضل‌الله حسینی بود و هنگامی که این کتاب  
 جزء کتب درسی مکتب‌خانه‌های قدیم و دبستانهای سابق بود<sup>۴</sup> هم خواندنش مشکل بود  
 و هم نوشتن آن دشوار می‌نمود و بعدها در دبستان، خود ما که این کتاب را بعنوان متن قرائت  
 نمی‌خواندیم، املاء از روی آن می‌گفتند و می‌نوشتیم، اکنون اجازه دهید چند سطر از این  
 متن نقل کنم<sup>۵</sup>:

«ویکی از افاضل ذات و خصایص صفات او آنستکه چون رقاب گردن کشان در  
 رتبهٔ عهد و پیمان و طوق عبودیت و فرمان آورد و سایهٔ انعام و کرم برخاعس و عام افکند

۱ - در کلیات چاپ فروغی «املی» .

۲ - لغت نامه .

۳ - دایرة المعارف فارسی .

۴ - تاریخ فرهنگ ایران تألیف دکتر صدیق ص ۳۴۳ .

۵ - تاریخ معجم چاپ کتابفروشی تبریزی ص ۲۵ .

وجناح عدل و احسان برپیر و جوان بگسترد. در کشف ظلمات ظلم از متظالمین و قضای حوائج محتاجان چندان مبالغت نمود و بساط بآس و هیبت به وجهی بسط کرد که در ایام دولت او بدلالیت عدالت مغناطیس از سر تعرض جذب آهن برخاست و کهربا دست تصرف از دامن کاه کوتاه داشت.»

و ما خود در سال چهارم و پنجم دبستان این املاء و بسیاری از این املاءها (دیکته‌ها) نوشته و معنی آنها را ندانسته‌ایم، و هرگاه از کتاب کلیله و دمنه املاء می‌گفتند بر ما سهل‌تر و آسان‌تر می‌نمود اما ناگهان به مرزبان نامه می‌پرداختند و همان دشواری به میان می‌آمد، و باید توجه داشت که به متن‌های زیادتری دسترسی نداشتند.

پس از اینکه در املاء فارسی متوجه روش درست آموزش شدند اهمیت آن را از نظر انداختند و کم‌کم آن را درسی زائد و خسته‌کننده و وقت تلف‌کن به حساب آوردند. در روزگار اینکه ما همه شاگرد دبستان و دبیرستان بودیم معلم املاء، یکایک املاءها را تصحیح می‌کرد و غلط‌های آن را مشخص می‌نمود و به شاگردان تکلیف چند بار نوشتن آن غلط‌ها را می‌داد و باز هم به آنها رسیدگی می‌کرد تا وقتی که یقین حاصل می‌نمود شاگرد آن کلمات را یاد گرفته‌است و در املاء دیگری تکرار نخواهد کرد. علاوه بر این گاه به گاه در کلاس ششم دبستان یا کلاسهای دبیرستان با عوض کردن املاءها خود شاگردان را هم در تصحیح شرکت می‌داد.

اما سالهاست که بعزت زیادی شاگرد در یک کلاس یا با حوصله‌ی و اهمیت ندادن به درس فارسی بطور کلی و درس املاء فارسی مخصوصاً، بسیاری از معلمان تصحیح فردی و رسیدگی به یاد گرفتن لغات را از نظر دور داشته‌اند و شاگردان نیز به این درس اهمیت نمی‌دهند و در پی یاد گرفتن کلمات و لغات و درست نوشتن املاء نیستند.

اکنون به جایی رسیده‌ایم که باید از هدفهای آموزش املاء فارسی صحبت کنیم و ببینیم املاء برای چه در دبستان و دبیرستان (و اخیراً در سال اول دانشکده ادبیات) آموخته می‌شود، هدف این آموزش چیست، و تا چه حد دارای ارزش است و پس از بیان هدف

وارزش این آموزش ، مشکلات آن و طریقه رفع آن مشکلات را بررسی کنیم :  
چند نکته مهم در آموزش املاء هست که می تواند هدف قرار گیرد و آن سودهایی است که از این درس به شاگردان می رسد .

دانش آموز به درست نوشتن و فرا گرفتن کلمات و لغات و دریافت مفاهیم و معانی از دیگران و درست یادداشت کردن آنها احتیاج شدید دارد ، هم چنین آنچه را که در قرائت فارسی یا درس دیگر می خواند باید در ذهن درست ضبط کند ، دقت و تمرکز حواس و فکر لازم دارد ، باید بسرعت میان لغات و معانی و مفاهیم آنها از راه گوش ارتباط ایجاد کند و استنباط معنی نماید ، و اگر پیشروی دانش آموزان را در سالهای بعد در نظر بگیریم و مسأله درس های دانشکده و سخنرانیها و مکالمات تلفنی و گفتارهای رادیویی و تلویزیونی را بر اینها اضافه کنیم می بینیم که نیاز مندی دانش آموزان به درس املاء از سابق بسیار بیشتر شده و از این جهت به املاء بیشتر باید اهمیت داد و همه این مسائل را باید هدف آموزش آن قرار داد .

دانش آموز هنگامی که در جامعه وارد می شود و شغلی می گیرد در هر جا چندین بار اتفاق می افتد که پیام و دستور رئیس خود را که تلفنی یا شفاهی تقریر شده است باید یادداشت کند و به دیگران القاء نماید و چه قدر در همین نقل دستورها و پیامها اشتباه روی داده و کارها معطل مانده یا زیانهای فراوان وارد شده و یاستیزه و کدورتی در میان برخاسته است . چه قدر دیده ایم که بجای « میز بزرگ » « میز بزرگ » را یادداشت کرده اند و این همه تصحیف و تحریف در حروف و کلمات از همین جا ناشی شده است .

امروز همه منشیان در تجارتخانه ها و ادارات و دفاتر اسناد رسمی و دادگاهها و هم چنین ماشین نویسان و تند نویسان ، در کار روزانه باید تقریرهای دیگران را با سرعت و دقت و صحت یادداشت کنند و برای اجراء یا سفارش به افراد مسئول برسانند و همه این مشاغل با املاء صحیح کلمات و الفاظ و درست شنیدن و درست یادداشت کردن سروکار دارد . در رادیوها و خبر گزارها و روزنامه ها کسانی همواره با اصطلاح خودشان باید « دیکته »

اخبار» را سرعت و بادقت فراوان یادداشت نمایند .

و از این جا دانسته می‌شود که چه اندازه درس املاء مهم و دارای نتیجه عالی است و بنده را عقیده آنستکه آموزش املاء فارسی در صورتیکه ، باروش صحیح و مراقبت و حسن توجه انجام گیرد بسیاری از اشکالات تلفظ لغات و به کار بردن واژه‌ها و جمله‌سازی‌ها از بین خواهد رفت و به آموزش اکثر دروس کمک خواهد کرد زیرا وقتی شاگرد صحیح نوشتن را از تقریر معلم آموخت ، سخن گفتن را نیز می‌آموزد و درس املاء به قرائت متن و دستور زبان و نگارش نیز کمک فراوان می‌کند و بسیاری از دشواریهای آموزش زبان فارسی را از پیش پای معلم برخواهد داشت .

حال که دانستیم املاء فارسی تا چه حد اهمیت و ارزش دارد و به عظمت این وظیفه آموزشی پی بردیم بهتر است ببینیم مشکلات کار در آموزش املاء فارسی چیست و اگر فرض کنیم که آموزگار یا دبیری با کمال علاقه و جدیت ضمن مهم دانستن املاء ، بخواهد به شاگردان دبستان یا دبیرستان املاء فارسی را بیاموزد با چه مشکلات و دشواریهایی روبرو است و راه حل آن دشواریها و طریق گشودن آن گره‌ها چیست .

شاید نخستین دشواری در کار آموزش املاء تعداد فراوان نوآموزان و دانش آموزان باشد که معلم نمی‌تواند با صدای رسا و واضح کلمات را اداء کند ، و پس از گفتن املاء به تصحیح فردی و جمعی املاءها نمی‌رسد و دانش آموزان نمی‌دانند کدام کلمات را غلط نوشته‌اند چون هر شاگرد علاوه بر کلمات املائی که ممکن است روی تخته کلاس نوشته شود غلطهای خصوصی از قبیل جا انداختن کلمات ، ناخوانا نوشتن و انداختن بعضی حروف دارد که باید برای او تصحیح فردی صورت گیرد .

از این مشکل که گذشت ، نیاموختن قواعد و قوانین املاء و رسم الخط و همچنین نیاموختن متن دیکته و لغاتی است که باید دانش آموزان بنویسند و این مسأله بسیار روی می‌دهد که معلم کلمات و الفاظی را در املاء می‌آورد که دانش آموز نخوانده است .

موضوع دیگر اینکه هنوز این مفهوم در ذهن بسیاری از معلمان هست که وقتی

از املاء خوب صحبت بمیان می‌آید متنی را در نظر می‌آورند که لغات عربی دشوار داشته باشد و از شاگردان کلاسهای پایین دبستان و دبیرستان آنگونه املاء نویسی انتظار دارند و حال آنکه همان دانش آموزان کلمات فارسی ساده را غلط می‌نویسند و تا آخر دوران تحصیل هم ممکن است متوجه این غلط نویسی نشوند.

اشکال دیگر اختلاف نظر معلمان کلاسها و دوره‌های مختلف در روش آموزش املاء و رسم الخط کلمات و تصحیح اغلاط املائی و اتصال و انفصال لغات است. و با آنکه سالهاست رسم الخط فارسی در کتابهای درسی یکسان شده باز هم بعضی این اختلاف نظرهارا که برای آموزش زیان دارد، دارند.

اشکال دیگر اختلاف تلفظ و لهجه‌های خاص و به کار بردن کلمات در صورتهای مختلف است که شاگردان را سرگردان می‌سازد و این جانب در سخنرانیهای دیماه خود به تلفظ کلمات و استعمال لغات و نابسامانیهای تلفظ و راه رفع آنها اشاره کرده‌است و در این جا تکرار را ضروری نمی‌داند.

اشکال دیگر آنستکه مخصوصاً در سالهای اول تا ششم دبستان، برای نوآموز و دانش آموز حد کلماتی را که باید در املاء بیاید روشن نمی‌کنند و بر شاگردان روشن و آشکار نمی‌شود که چه کلماتی را درست آموخته‌اند و چه کلماتی را نیاموخته‌اند و باید بیاموزند زیرا بطوریکه عرض شد رسیدگی دقیق به املاءها صورت پذیر نیست و به غلط‌هایی هم که نوآموز باید از روی آنها چندین بار بنویسد ممکن است رسیدگی نشود و نیز پاک‌نویس املاء که از کارهای واجب در این کلاسهاست احتمالاً بی‌اهمیت جلوه می‌کند و بسا که نوآموز از پاک‌نویس کردن صرف نظر نماید و معلم نیز بعلمت‌های چند که یکی از آنها زیادی عده نوآموزان است، پاک‌نویس‌ها را نمی‌بیند.

اشکال دیگر از بدخطی شاگردان و اصولاً توجه نکردن به خوش خطی و خوانا نوشتن و مضبوط بودن کلمات است. و امروز بدخطی و ناخوانا نوشتن بر اثر سرعت و بی‌حوصلگی در تحریر و اعتماد به ماشین و چاپ شدن نوشته‌ها رواج و شیوع کامل دارد و

این خود از مشکلات بزرگ کار املاء در مدارس است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید ، اگرچه ممکن است کسانی بگویند با این همه ماشین تحریر و دستگاه پلّی کپی و تایپ و مانند آن صرف وقت برای حسن خط آنهم در عصر ماشین و سرعت‌های زیاد ، کاری عبث و بی‌پوده است ، اما باید گفت که مسأله خوانا نوشتن و خوش خطی هرگز ارتباطی به این مسائل ندارد و یکی از عوامل مفید و مؤثر در کار آموزش املاء فارسی است که به نتایج و سودهای فراوان آن اشاره شد .

پس از طرح اشکالات املاء ، ضرورت آموزش قواعد املاء فارسی احساس می‌شود و توجه به قواعد املاء فارسی از دیر باز شده است ، اما در روزگار پیش ، غالباً قواعد املاء ضمن آیین کتابت و انشاء یا رسم الخط می‌آمد و ضبط می‌شد چنانکه در کتاب نفایس الفنون شمس‌الدین محمد بن محمود آملی که در قرن هشتم هجری تألیف شده و بصورت یک دایرة المعارف شامل همه علوم تا آن زمان است ، ضمن فن اول از مقاله اولی از قسم اول که در علم خط بحث می‌کند و می‌گوید : « علم خط عبارت است از معرفت تصویر الفاظ به حروف هجا و کیفیت ترکیب واحوالیکه به اعتبار کتابت طاری شود بر آن ... » پاره‌ای از قواعد املاء کلمات را به دست می‌دهد و بیشتر در قواعد املاء کلمات عربی بحث می‌کند اگرچه آن کلمات عربی هم غالباً معمول در فارسی است مثلاً می‌نویسد : « ابدال ، چنانکه هرائی که در چهارم افتد یا زیادت از آن بیاء نویسند همچو موسی و عیسی و مصطفی مگر ماقبل او یا باشد همچو دنیا که جهت کراهت اجتماع یا این به الف نویسند بخلاف یحیی که چون اعلم باشد هم بیا نویسند تا فرق باشد میان اعلم و فعل » و نیز می‌نویسد : « هرتاء تأنیث که عندالوقف ها شود به ها نویسند همچو نعمة و هرچه چنین نباشد به تاء نویسند همچو اخت و بنت و این مجموع که ذکر کرده شد به نسبت بالغت عرب و ترکیب ایشان رعایت آن لازم است نه به حسب ترکیب عجم که اکنون متعارف است چه به نسبت با ترکیبات ایشان

۱ - نفایس الفنون چاپ اسلامیة ج ۱ ص ۲۲ .

۲ - همان کتاب ج ۱ ص ۳۱ .



به خلاف این است زیرا که ایشان، زیادت و نعمت و مدت و غیر آن را به تاء نویسند...»  
 در دیباچه بسیاری از فرهنگهای فارسی مختصر گفتگویی از قواعد املاء فارسی  
 شده و یا ضمن مباحث دستور زبان و بحث از حروف الفبا آمده است، برای مثال در دیباچه  
 فرهنگ برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی که در سال ۱۰۶۲ هـ. ق تألیف شده،  
 در فایده نهم نوشته است: «در بیان توصیف آنچه صاحبان املاء را از دانستن آن گزیر  
 نیست و املاء در عرف ارباب کتابت عبارت است از نوشتن حروف مفرده و مرکبه بر نهجی  
 که اصحاب این فن تعیین کرده اند.»

و ضمن این بحث قواعد املائی مربوط به کلمه‌ای که با همزه (الف) شروع شود و  
 افزودن (ب) به آن مانند «بیفراز» و قاعده مربوط به «بیاراست» و مانند آن و نیز ادغام  
 در حروف هم جنس و طریقه نوشتن کلماتی که در عربی تاء دارد و بصورت هاء می نویسند  
 مانند: «ظهرالدولة و السعادة» که نوشته است در فارسی هم (ال) حذف می شود و هم  
 (ة) را بصورت تاء قرشت باید نوشت و اضافه می کند که «اگر بتای گرد نویسند بی املاء  
 خواهد بود و هرگاه که «ان شاء الله» و «عن قریب» در عبارت عربی نویسند منفصل باید  
 نوشت و چون در فارسی نویسند متصل، چه فارسی زبانان این کلمات را یک لفظ می دانند.»  
 ظاهراً (تا آنجا که اطلاع داریم) نخستین رساله مدون در قواعد املاء فارسی  
 رساله‌ای است بنام تنبیه الابداء تصنیف حاج محمد کریم خان کرمانی که در ماه محرم سال  
 ۱۲۷۳ هـ. ق برای فرزندش محمد رحیم نوشته و در مقدمه آورده است که<sup>۲</sup>: «... این  
 مختصری است در علم املائی فارسی که به جهت نور چشم عزیز محمد رحیم نوشتم و چون  
 در این علم سابقاً کتابی به نظر نرسیده که اقلاباً بعضی مسائل در آنجا ضبط شده باشد و  
 بعضی را حقیر زیاده کم شاید بسیاری از مسائل از حقیر فوت شود...»

۱ - برهان قاطع تصحیح دکتر معین ج ۱ ص لز.

۲ - این رساله ۲۶ صفحه است و ضمن مجمع الرسائل ادبی حاج محمد کریم خان بسال ۱۳۶۵

هـ. ق به چاپ رسیده است.



در این رساله پس از تعریف زبان و خط و حروف و کلمات و افعال و ضمائر متصل و منفصل ضمن چند تنبیه قواعد املائی را بیان می‌دارد مثلاً می‌نویسد: «هرگاه در کلمه مرکزهای بسیار جمع شود باید یکک در میان مرکزها را بلند و کوتاه کنند مثل: «تبین» و نیز می‌نویسد: «بدانکه اصل در خط وضوح و عدم التباس است و بهترین خطوط خطی است که بهتر خوانده شود» و هم چنین در اتصال ضمائر می‌نویسد: «بدانکه ضمائر متصله را باید متصل به کلمه سابق نوشت خواه اسم باشد و خواه فعل مانند: اسپت، اسپش، زدت، زدش» و در پایان رساله وصیتهایی به نویسندگان می‌کند که از آن جمله است خوش خط بودن و خط خوردگی نداشتن نامه و دقیق و واضح و خوانا نوشتن و امثال آن.

در دوران معاصر که اهل فضل و ادب و استادان زبان فارسی بیشتر متوجه املاء فارسی شده‌اند در اندیشه تدوین و نگارش قواعد املاء فارسی برآمده و گاه ضمن دستور زبان به آن قواعد اشاره کرده‌اند چنانکه استاد فقید عبدالعظیم قریب در دستور خود از حروف و اتصال و انفصال و مد گذاشتن روی حروف و نوشتن (ة) بصورت (ت) در کلمات: «رحمت و زحمت» و نوشتن هاء ملفوظ و غیر ملفوظ و اتصال به نشانه جمع و یاء مصدری و امثال این مطالب بحث کرده و شواهدی آورده است<sup>۱</sup>.

بعدها کتابهای زیادی در باب املاء فارسی و قواعد مربوط به آن برای نوآموزان و دانش‌آموزان انتشار یافته و نمونه‌های املاء مناسب هر کلاس نیز داده شده است<sup>۲</sup>.  
در این جا باید به خطابه‌ای که مرحوم احمد بهمینیار، درباره املائی فارسی هنگام ورود به فرهنگستان ایراد کرده اشاره کنم، استاد فقید پس از مقدمه‌ای درباره زبان و اهمیت آن و خط فارسی به هشت قاعده یا اصل برای تدوین قواعد املائی فارسی اشاره

۱ - دستور زبان فارسی استاد عبدالعظیم قریب دوره سوم طبع بیستم ص ۹-۱۰.

۲ - از آن جمله کتاب روش درست نوشتن فارسی تألیف سید محسن خلیق رضوی که چند تذکار و سی نوشته (املاء) دارد و ذیل هر کدام چند نکته املائی آمده است که مجموعاً ۶۴ نکته املائی است علاوه بر اشتقاق کلمات.

کرده که: «تطابق مکتوب و ملفوظ، احتراز از اشتباه، اطراد قاعده، رعایت اصل، اختیار اشهر، حفظ استقلال خط، ملاحظه زیبایی و ترجیح اسهل» است و بر این مبنا ۵۰ قاعده املائی به فرهنگستان ایران پیشنهاد نموده است که قاعده راجع به کتابت همزه، و کلمات عربی و اتصال کلمات به یاء مصدری و وحدت و نسبت و نیز اسمهای ممدود عربی در فارسی و مانند این مسائل جزئی آن قواعد است و برای استفاده بیشتر باید به آن خطابه که در جلد چهارم لغت نامه ضمن مقدمه ها چاپ شده است مراجعه کرد.

از سال ۱۳۳۵ خورشیدی ببعدها تغییر برنامه دبیرستانها و تجدید نظر در برنامه تدریس زبان و ادبیات فارسی و تدوین کتابهای فارسی و دستور برای دوره اول دبیرستانها قواعد املائی در آن کتابها گنجانده شد که دانش آموزان به خواندن و یاد گرفتن آنها وادار شوند، و چند سالی این کتابها خوانده شد اما پس از آنکه تدریس کتابهای سابق فارسی در دوره اول دبیرستان معمول شده و دستور هم جدا شده است نمی دانیم آموزش قواعد املاء فارسی چه صورتی دارد.

ضمناً در سال ۱۳۴۲ خورشیدی شیوه خط و املاء برای دبیرستانها و کتابهای درسی در شورای عالی فرهنگ تصویب شد و به صورت جزوه ای از طرف اداره کل مطالعات و برنامه ها انتشار یافت. در این جزوه قواعد املاء و رسم الخط بر پنج مبنا تنظیم شده و از قطع و وصل سخن رفته و چند سال است که در کتب درسی یک نوع رسم الخط رعایت می شود و قابل تقلید و پیروی معلمان و دانش آموزان است.

این اشاره به قواعد املائی و کتابها و منابعی که در آن بحثی در این موضوع دارد از جهت توجهی است که باید به آموزش قواعد املاء داشت و یکی از راههای رفع مشکلات املاء همین آموزش قواعد املاء است چون هر فن قواعد و آیین هایی دارد که باید آنها را آموخت و مطابق آن عمل کرد.

حال که مشکلات املاء و لزوم آموزش قواعد آن گوشزد شد باید راههای رفع

۱ - فارسی و دستور تألیف این جانب و همکاران، فارسی و دستور استاد فروزانفر و مؤلفان، فارسی استاد همایی و مؤلفان.

این مشکلات ذکر شود و این راهها ضمن چند پیشنهاد عرضه می شود :

- ۱ - نخست آنکه به شاگردان لغات و جملاتی را بعنوان املاء بگوییم که قبلاً به آنها آموخته ایم .
- ۲ - تلفظ کلمات را صحیحاً بیاموزیم و زبان مرکز را که فعلاً زبان شاخص و نمودار است مأخذ تلفظ قرار دهیم .
- ۳ - تا سال پنجم دبستان املاء بگوییم و دانش آموزان بنویسند ، اما از آن کلاس بیعد گاهگاه متن هایی هم که دارای غلط است به شاگردان بدهیم که تصحیح کنند و صحیح آنها را بنویسند .
- ۴ - خود دانش آموزان را گاه بگاه در تصحیح املاء شرکت دهیم .
- ۵ - به مشق خط درشت و ریز اهمیت بیشتری بدهیم و آن را جدی بگیریم .
- ۶ - دانش آموزان را بیاموزیم از کتاب لغت استفاده کنند و یادداشت بردارند .
- ۷ - در طرز نوشتن کلمات و حروف مراقبت کنیم که شاگردان درست یاد بگیرند و غلط هایی را که قبلاً داشته اند تکرار نکنند .
- ۸ - قواعد املائی را با توجه به سهولت و آسان خوانده شدن و سهولت آموزش و زیبایی خط و مانند آن ، به دانش آموزان بیاموزیم و مانند قواعد دستور زبان از آنان بخواهیم که قواعد را ضمن تمرین به کار برند و هر قاعده را در املائی که می دهیم رعایت نمایند .
- ۹ - حدود و میزان کلماتی که در هر کلاس باید دانش آموزان بخوانند و یاد بگیرند و در املاء و انشاء به کار برند مشخص سازیم .
- ۱۰ - توجه دادن دانش آموزان به رسم الخط کتابهای درسی و پیروی از آن در کتابت خود .
- ۱۱ - مهمترین نکته ، وحدت نظر معلمان در طریقه املاء کلمات و پذیرفتن یک شکل املائی و کار نکردن به رای و نظر خود ، از آن جهت که دانش آموزان در هر کلاس

۱ - در این باره به سخنرانیهای این جانب در دی ماه ۱۳۴۶ در جلسه دبیران توجه فرمایند .

به نوعی املاء برنخورند و از غلط گرفتن معلمان نهراسند .

۱۲ - جلب دقت دانش آموزان در ضبط کلمات و عادت دادن آنان به اینکه

هرچه را می نویسند خوانا و درست و بااطمینان کامل بنویسند .

اکنون ضمن تشکر فراوان از هیئت رئیسه کنگره و بانوان و آقایان صاحب نظر

و دانشمندی که به سخنانم توجه فرمودند و ساعتی به عرایضم گوش فرا دادند ، از خداوند

بزرگ مسألت دارم که مارا در انجام دادن خدمات آموزشی و فرهنگی موفق و مؤید بدارد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی